



Analysis of Anti-Arrogance Indices in the Quranic Ideology of Imam Khamenei*

Seyed Mohammad Baqer Mousavi*

Amel Hassan Mazaheri*

Abbas Khan Fazilov*

Abstract

Anti-arrogance stands as the central axis of the struggle of divine prophets and the achievements of monotheistic religions. Throughout history, global oppressors have persistently sought dominance, exploitation, and hegemony, particularly in the present era, through oppression and excessive demands. Imam Khamenei, adhering to the Quran and the teachings of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), has elucidated the nature of anti-arrogance and Pharaonic thinking, symbolized by the United States and Zionism. He has emphasized the necessity of combating this arrogance and has taken on the leadership and guidance of this struggle on a global scale. This research, using a descriptive and analytical approach, scrutinizes the anti-arrogance indices based on the Quranic ideology of Imam Khamenei at three levels: ontology, epistemology, and methodology. The findings demonstrate that the concept of anti-arrogance is rooted in the ontological foundations derived from the essence of the monotheistic system and is positioned in the confrontation between the two fronts of truth and falsehood. Furthermore, based on epistemological indices, it necessitates preventing the proliferation of corruption and destruction within the grand structure of existence, and, based on methodological grounds, the primary method in the realm of combating, resisting, and maintaining resilience against the destructive maneuvers of arrogance is enemy studies, support for the oppressed, and fostering resistance against the destructive assaults of arrogance.

Keywords: Quranic Ideology of Imam Khamenei, Anti-Arrogance, Indices, Islamic Revolution.

*. Date of Receipt: 18/4/1402 SH (June 8, 2023 CE) & Date of Acceptance: 29/8/1402 SH (October 20, 2023 CE)

*. Doctoral Researcher in Contemporary History of the Islamic World, Al-Mustafa International University (Corresponding Author) - Email: s.m.baqerm@gmail.com

*. Doctoral Graduate in Quran and Educational Sciences, Al-Mustafa International University, Institute of Higher Education in Quran and Hadith - Email: muzaheri2007@gmail.com

*. Doctoral Graduate in Political Science, Shahid Beheshti University - Email: abbasi.hisari@gmail.com



تحلیل شاخص‌های استکبارستیزی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای*

سید محمد باقر موسوی* عامل حسن مظاهری* عباس خان فاضل اف*

چکیده

استکبارستیزی محور اصلی مبارزه انبیاء الهی و ره‌آوردهای ادیان توحیدی است. مستکبران جهان در طول تاریخ و به‌خصوص در عصر حاضر همواره با زورگویی و زیاده‌خواهی به شکلی ظالمانه به دنبال استعلا، استعمار و استعمار دیگران بوده‌اند. امام خامنه‌ای با تمسک به قرآن و عترت (علیهم‌السلام) بر اساس مبانی دینی با تبیین و تشریح ماهیت استکبارستیزی و تفکر فرعون‌ی که آمریکا و صهیونیسم نماد آن هستند، به‌ضرورت مبارزه با آن پرداخته و خود زعامت و رهبری این مقابله در سطح جهان را به عهده گرفته است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، شاخص‌های استکبارستیزی مبتنی بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای را در سه سطح هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. ره‌آورد و برآیند پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم استکبارستیزی مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی برآمده از متن و بطن نظام توحیدی بوده و در تقابل دو جبهه حق و باطل قرار می‌گیرد. همچنین بر اساس شاخص‌های معرفت‌دینی اقتضای جلوگیری از فراگیری فساد و تباهی در کلان‌نظام هستی مبارزه با این پدیده شوم بوده و بر مبنای روش‌شناختی کلیدی‌ترین روش در حوزه مبارزه، مقاومت و پایداری در برابر تاخت‌وتازهای مخرب استکبار، دشمن‌شناسی، حمایت از مظلوم و... است.

واژگان کلیدی: اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای، استکبارستیزی، شاخص‌ها، انقلاب اسلامی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۸/۲۹

* دانش پژوه دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، جامعه المصطفی العالمیه، (نویسنده مسئول): s.m.baqerm@gmail.com

* دانش آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش تربیت، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث: muzaherizoo7@gmail.com

* دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی: abbasi.hisari@gmail.com



مقدمه

مبارزه و مقابله با استکبار فلسفه قیام و نهضت انبیاء الهی است. مستکبران جهان در طول تاریخ همواره با روحیه منبث از تکبر، افزون‌خواهی و قلدری تنها به منافع خود می‌اندیشند و برای تحقق و نیل به آن دست به هر اقدام ممکن و نابودکننده‌ای می‌زنند و به منافع ملت‌ها، خواست انسان و ارزش‌های انسانی هیچ توجهی ندارند و با هر فرد و یا گروه و یا کشوری که مخالف تحقق منافع آنان باشد به مقابله می‌پردازند همچنان که به شواهد تاریخی و تجربه قطعی تاکنون این چنین بوده است.

گزاره‌های وحیانی قرآن کریم تصریح دارند که عدم مقابله با مستکبران و زورگویان عالم، فساد و تباهی زمین را به همراه دارد (بقره/۲۵۱)؛ چون خوی ستمگری و ذات سیری‌ناپذیری آنان موجب تعدی و تجاوز و استعمار و استثمار بیشتر بر روی زمین می‌گردد (زخرف/۵۴)، از این رو خداوند متعال که نظام هستی را بر حق آفریده و مبتنی بر آن اداره می‌کند و باطل هیچ جایگاهی در آن ندارد (اسراء/۸۱) انبیاء الهی و مردان با ایمان را مأمور مبارزه با آنان قرار داده است «اَذْهَبْ اِلٰی فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰی» (نازعات/۱۷) و تأکید نمود است که شیوه همه انبیاء و مردان الهی باید این‌گونه باشد «اَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶) - چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان می‌دهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

پژوهش پیش رو با توجه به اهمیت و ضرورت مسئله استکبارستیزی در منطق قرآن و عملکرد عترت (علیهم‌السلام) و به دلیل تردیدهای که در باره مصادیق و چگونگی مبارزه با آنان در میان برخی از فعالان و مجریان سیاسی کشور و نیز برخی روشنفکرها وجود دارد، در تلاش است که این مهم را از منظر مقام معظم رهبری که اندیشه ایشان برآمده بطن و متن قرآن کریم است؛ مورد بررسی قرار دهد و همچنین چرایی تأکید امام خامنه‌ای نسبت به استکبارستیزی را به شکل شفاف و روشن بیان کند. فرضیه پژوهش بر این اصل استوار است که مفهوم استکبارستیزی در منظومه فکری امام خامنه‌ای برآمده از جهان‌بینی دینی و گزاره‌های وحیانی



قرآن کریم است که مبارزه با استکبار را به عنوان یک اصل ثابت و همیشگی برای جلوگیری از گسترش فساد و تباهی بر روی زمین معرفی کرده است. بر این اساس پژوهش حاضر تلاش دارد که مسئله یاد شده را در سه عرصه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی با بهره‌گیری از بیانات و آثار و رهنمودهای امام خامنه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ تا از این رهگذر منظومه فکری ایشان در حوزه استکبارستیزی مشخص گردد.

پیشینه پژوهش

بر پایه جستارهای صورت گرفته به دست آمد که پژوهش‌های متعدد در قالب کتاب، مقاله، کنگره‌های علمی با رویکرد استکبارستیزی انجام گرفته و محتوای ارزشمند و مفیدی نیز تولید شده است و از پیشینه عام غنی برخوردار است ولی از لحاظ پیشینه خاص که شاخص‌های استکبارستیزی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای را مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد. بنابراین می‌توان گفت فاقد پژوهش در خور در خصوص موضوع است.

هرچند که در حوزه موضوع یاد شده اثری جامع نگاشته نشده است ولی به صورت جسته‌وگریخته به آن پرداخته‌اند که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آثاری که در باره این موضوع نگاشته شده و یا می‌توان در فرایند تدوین از آنان بهره‌گرفت به اجمال به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد. ۱- کتاب استکبار جهانی نوشته جواد منصوری؛ ۲- استضعاف و استکبار در قرآن نوشته علی محمد دستغیب؛ ۳- کتاب دشمن‌شناسی (شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی) با گردآوری سید امیر پورفاضلی؛ ۴- دشمن‌شناسی در اندیشه رهبر انقلاب نوشته نجفعلی غلامی؛ ۵- مستندسازی قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در مقابله با استکبار نویسندگان میرعزیز امینی و علی آقا صفری؛ ۶- بررسی تناظر محتوایی استکبارستیزی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای و قرآن کریم بر اساس روش تحلیل محتوا. نویسندگان: روح‌الله داوری، عباس مصلاهی پور یزدی؛ ۷- بازشناسی استکبارستیزی در قرآن کریم از منظر مقام معظم رهبری. روح‌الله داوری؛ ۸- استکبارستیزی در کلام امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). اسماعیل حسن‌پور؛ ۹- بررسی مؤلفه‌های



استکبارستیزی از دیدگاه قرآن و مقام معظم رهبری. مجتبی نوروزی، قدسیه فاضلی؛ ۱۰- دیدگاه اسلام و رهبری در مورد استکبارستیزی. افشین خلیلی دهدزی، فریدون کیانی قلعه سردی، ۱۱- تحلیل گفتمانی استکبارستیزی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای از منظر پسا ساختارگرایی. آرش منش زادگان علی اصغر داودی، سعید کازرانی؛ ۱۲- یازدهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی با محوریت استکبارستیزی. بدین‌سان تمایز اصلی پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌های انجام‌شده این است که عمده نگاه و رویکرد نگارنده بیان مستندات قرآنی امام خامنه‌ای در حوزه استکبارستیزی آن هم به شکل توصیفی و تحلیلی و در قالب یک چارچوب علمی و با ارائه اندیشه نو است.

مفهوم شناسی

مفهوم شناسی واژه در هر پژوهشی نقش کلیدی و اساسی را ایفا می‌کند، آن‌گونه که در بسیاری از موارد بدون فهم صحیح و درست واژگان تحقیق، امکان فهم مسئله وجود ندارد. از این رو شایسته است ابتدا واژگان اصلی، تبیین شود.

۱- شاخص

الف) شاخص در لغت

واژه «شاخص» معادل واژه‌ی «Indicator» در لغت به معنای میله، برآمده، تیر، تیرک، نمودار، فرد ممتاز، نماینده، و علامت معین‌کننده زمان نماز ظهر آمده است (۱۹۹۳، ج ۲: ۳۲۲) در توضیح که برای معانی شاخص در کتب لغت ذکر شده آمده است که: نشانه‌ای که آن را به هنگام وجود آفتاب برای تعیین زمان (به ویژه زمان ظهر) نصب می‌کنند شاخص می‌گویند که در واقع همان ساعت آفتابی است، همچنین میله‌ای که آن را به منظور مشخص کردن جهت (به خصوص قبله) و مسیر راه در زمین قرار می‌دهند؛ و یا دستگاهی که آن را به منظور تعیین سطح آب، طی سال‌ها و فصول مختلف، در رودخانه‌ها نصب می‌کنند؛ و نیز فردی که از جامعه آماری که ممتاز از افراد دیگر و منت‌خوب آنان باشد (معین، ج ۲، ۱۹۹۳) برخی لغویون، معانی دیگری چون پایه، رئیس، منتخب جامعه، شاخص هزینه زندگی، راهنمای جاده برای واژه



«شاخص» بیان کرده‌اند. شهید ثانی (ره) می‌گوید: «شاخص عبارت است از علامت و نشانه‌ای که روی سطح زمین عمودی یا افق قرارداد شده است. و با طلوع خورشید بر روی شاخص و سایه‌ای که از شاخص ایجاد می‌شود وقت نماز ظهر معلوم می‌گردد (عاملی، ج ۱، ۷۷)

در فرهنگ توصیفی علوم تربیتی در باره تعریف معنای شاخص آمده است که «شاخص»، علامت یا مقیاسی است که روابط موجود میان دو یا چند متغیر (کمی - کیفی) را در زمانی مشخص به صورت ارزش‌های عددی (میانگین، نسبت و واریانس) به طوری که معنی و مفهوم لازم را برساند، بیان می‌کند (فرمehینی فراهانی ۱۳۹۳: ۲۷۷).

ب) شاخص در اصطلاح

حسب جستارهای انجام‌شده نشان می‌دهد که برای واژه شاخص همانند دیگر واژه‌ها تعاریف متعددی ذکر شده است که در اینجا به عنوان نمونه به چند مورد که همسو با مراد مقصود نگارنده این اثر می‌باشد اشاره می‌گردد: ۱- «شاخص یک راهنمای آماری است که می‌تواند تغییرات یک متغیر را نسبت به زمان پایه نشان دهد (خلعتبری ۱۳۷۱: ۶۰۶) همچنین آمده است که ۲- «شاخص ارزش مشخصه تغییر نسبی یک رقم در فاصله زمانی دو تاریخ یا نقاط مختلف است» (فرهنگ، ۱۳۸۸: ۵۴۱) و نیز در تعریف دیگر گفته‌اند: ۳- «شاخص معیاری است که روند تغییر یک متغیر را نشان می‌دهد (همان) همچنین «شاخص یک راهنمای آماری است که می‌تواند تغییرات یک متغیر را نسبت به زمان پایه نشان دهد (خلعتبری، ۶۰۶) از نظر فقهی و حدیثی شاخص به معنای میله یا چوبی است که نشان‌دهنده روند تغییر سایه برای تشخیص زوال و وقت نماز است (کلینی، ج ۳: ۱۷۵)

با توجه به تعاریف لغوی و اصطلاحی فهمیده می‌شود که واژه «شاخص» در زبان فارسی و ادبیات اندیشمندان، دارای مفهومی بس وسیع و گسترده بوده و علاوه بر شاخص‌های کمی، شاخص‌های کیفی را نیز در بر می‌گیرد تا جای که کاربرد واژه یاد شده در شاخص‌های کیفی، پیش‌تر از شاخص‌های کمی است. لازم به ذکر است که «شاخص‌های کیفی، ماهیت



غیرشمارشی دارد و به صورت عبارت و گزاره و با مفاهیمی چون عالی، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف، بیان و اندازه‌گیری می‌شود (پای‌نژاد، محبی ۱۳۸۹: ۲۵)

البته برخی میان شاخص و معیار تفاوت قائل شده و گفته‌اند: که معیار، بیانگر ملاک و ضابطه وجود حکم یا ویژگی خاص نسبت به موضوع مورد نظر است؛ اما شاخص، این ویژگی را به صورت کمی می‌سنجد. بنابراین چنین ابزاری مادی در دسترس همگان قرار دارد؛ ولی سنجش مسائل معنوی و ارزشی با نفسانیات و وجدانیات است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۲: ۴۰۶)

به طور خلاصه سازمان را باید به عنوان یک سیستم در نظر گرفت. این سیستم مجموعه‌ای از اجزاء به هم پیوسته است که برای تحقق هدف معینی استقرار می‌یابد. اجزاء اصلی سیستم عبارت است از درون داد، فرآیند، برون داد، پیامد؛ بدین ترتیب درون داده‌ها پس از گذشتن از فرآیند تغییر و تحول‌های مناسب، برون داد مورد انتظار را حاصل می‌کنند. برای محاسبه شاخص یک سال را به عنوان سال مبنا یا پایه فرض کرده و پس از تقسیم ارزش جاری بر ارزش مبنا (ارزش سال پایه) آن را در عدد ۱۰۰ ضرب می‌کنیم. عدد به دست آمده شاخص آن گروه یا دسته مورد نظر را به ما نشان می‌دهد.

در این پژوهش منظور از شاخص، متغیرهای رفتاری، ویژگی‌های رویه‌ای و نمادهای نظری و مرادده‌ای است.

۲- استکبار

الف) استکبار در لغت

واژه استکبار از مادّه «کَبَر» یا «کَبِر» در لغت به معنای عظمت و بزرگی آمده است؛ (جوهری، ۱۲۷۰ ق: ۱۰۵/۲) و در اصطلاح دینی و قرآنی، کبر، تکبر و استکبار قریب المعنی هستند؛ کبر حالتی است که انسان نفس خویش را بزرگ‌تر از آنچه هست ببیند و کبر کفار این است که از گفتن «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» استکبار ورزند؛ این یعنی شرک به خدا؛ پس بزرگ‌ترین تکبر برای خداوند است، به سبب امتناع از پذیرش حق؛ به عبارتی استکبار یعنی امتناع از قبول حق از روی عناد و تکبر (بزرگ‌بینی خویش). (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۲۶/۵؛ راغب



اصفہانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۹۶)، البتہ استکبار بر دو وجہ می‌آید: یکی تکبر در برابر انسان‌های متکبر و خودخواہ کہ این مورد پسندیدہ است؛ دیگری خودخواہی نفس کہ لایق آن نیست و مذموم است؛ در قرآن استکبار بہ همان معنای دومی وارد شدہ کہ شیطان، یہودیان و بنی اسرائیل، اقوام گذشتہ و بقیہ انسان‌های مغرور و خودخواہ از جملہ آن‌ہاست؛ پس استکبار مرد این است کہ نفس خویش را بیشتر از مقدار آن بدانند. (طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۳/ ۶۵)، علامہ مصطفوی از لغت دانان شہیر می‌گوید: تکبر بر دو وجہ بیان شدہ است: تکبر کہ از افعال حسنہ باشد و از تمام محسنات دیگران زائد و بالاتر باشد، وصف خدای سبحان قرار می‌گیرد: «الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ» (حشر/۲۳)، اما اگر وصف بندگان باشد، بدترین صفت است؛ «فَيْسَسْ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» (زمر/۷۲)، بہ عبارتی صفت تکبر در بندگان از صفات رذیلہ خبیثہ است؛ چون عبد ذلیل، مملوک، فقیر، محدود و ضعیف سزاوار تکبر نیست (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۸/۱۰-۱۹). آنچه کہ از تعریف معنای لغوی واژہ استکبار بہ دست می‌آید افزون طلبی و خودبزرگ‌بینی می‌باشد، یعنی شخص مستکبر خود را از دیگران بزرگ‌تر می‌بیند.

ب) استکبار در اصطلاح

برای واژہ استکبار همچون دیگر واژہ‌ها و مفاهیم تعاریف متعددی ارائه شدہ است؛ اما بہ دلیل رعایت اختصار و پرهیز از اطالہ کلام بہ تعریف مختار پژوهش کہ همانان دیدگاہ مقام معظم رہبری است بسندہ می‌گردد: «استکبارستیزی یعنی یک ملتّی زیر بار مداخلہ جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان: ۱۳۹۲/۸/۱۲).

تحلیل قرآنی شاخص‌های استکبارستیزی

شاخص‌های استکبارستیزی در سہ عرصہ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی قابل بحث و بررسی است کہ بہ ترتیب یاد شدہ مبتنی بر اندیشہ قرآنی امام خامنه‌ای مورد تجزیہ و تحلیل قرار می‌گیرند:

۱- شاخص‌های هستی‌شناسانہ استکبارستیزی



دین اسلام، مجموعه‌ای به هم پیوسته از باورها و دستورالعمل‌های برگرفته از وحی الهی در باره جهان هستی، انسان و آینده می‌باشد که هدف آن هدایت انسان به سوی سعادت و کمال حقیقی است. اعتقاد و ایمان قلبی تنها، مورد قبول قرآن کریم و اسلام نبوده بلکه ایمان حقیقی از نظر اسلام، ایمانی است که توأم با رفتار و الزام عملی به احکام و مقررات دینی باشد و به همین جهت، در آیات زیادی از قرآن کریم، ایمان و عمل صالح در کنار هم موجب رستگاری معرفی شده‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز بر اساس این مبنای اسلامی، حاکمیت اندیشه بر عمل را پذیرفته‌اند و معتقدند که مباحث نظری و جهان‌بینی، دارای آثار رفتاری و عملی است. ایشان معتقد است که اصول اعتقادی و جهان‌بینی اسلام، علاوه بر سامان‌دهی اندیشه‌ها و باورها، رفتار انسان را نیز، هدایت و جهت‌دهی می‌کند. رهبر انقلاب در جمع مسئولان و کارگزاران نظام با اشاره به اثرپذیری رفتار انسان از جهان‌بینی او در این باره می‌فرماید: «یک وظایفی به طور کلی بر عهده ماست، هم ما به عنوان دولت و حکومت هم به عنوان یک فرد مسلمان، اما این وظایف یک مبنای فکری دارد. خصوصیت تفکر اسلامی و مکتب اسلامی و دینی این است. اگر بحث می‌کنیم از این که باید آزادی باشد یا انتخاب و اختیار در جامعه برای مردم وجود داشته باشد ... یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبخور اندیشه اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلام که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست، بر اساس آن برداشت و آن تلقی است که وظایف خودمان را مشخص می‌کنیم و آن‌ها را می‌خواهیم عمل کنیم. (بیانات رهبری در جمع کارگزاران نظام اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۱۲)».

از سویی دیگر یکی از عناصر قوام‌بخش شاکله وجودی انسان، نوع جهان‌بینی حاکم بر اوست. این جهان‌بینی و برداشت فکری که انسان در خصوص عالم پیرامون دارد، رویکردها و جهت‌گیری‌های او را نسبت به مسائل پیرامونش در عرصه اجتماع شکل می‌دهد. جهان‌بینی، همچنین شخصیت انسان را شکل داده و بر رفتارهای او تأثیر مستقیم می‌گذارد. در اندیشه رهبر انقلاب، شخصیت هر انسانی، غیر از عوامل و عناصری است که وجود خارجی و ظاهری او را تشکیل می‌دهد البته، مقدمات دیگری نیز دارد که نسبت به آن عناصر و عوامل، جنبه زیربنایی دارد، همانند افکار و جهان‌بینی و دیدگاه‌ها. به اعتقاد ایشان، کسی که به خدا، قیامت، حضور



در برابر پروردگار، زندگی پس از مرگ، شهادت و توکل معتقد است، در دنیا به گونه‌ای عمل می‌کند و کسی که فاقد این جهان‌بینی است، طور دیگر رفتار می‌کند. پس جهان‌بینی هر انسانی در تشکیل شخصیت او تأثیر اساسی دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۱)

در مجموع شناخت عناصر جهان‌بینی فکری مقام رهبری، جهت‌گیری و اندیشه معظم له در باره موضوع استکبار و مبارزه با آن را شکل می‌دهد و این جهان‌بینی در حقیقت همان اصول و جهان‌بینی اسلام است که زیربنای نظامی سیاسی و توابع آن از جمله استکبارستیزی قرار گرفته است.

الف) توحید محوری

اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم در تعالیم اسلام و جهان‌بینی الهی، توحید و یکتایی خداوند متعال است. «وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (بقره/۱۶۳) و معبود شما معبودی یگانه است که جز او معبودی نیست. خداوند متعال همچنین آموزه توحید را در مواجهه با مشرکین به پیامبر خویش چنین متذکر می‌شود، «قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام/۱۹) ای پیامبر بگو: همانا اوست خداوند یگانه و یکتا و من از آنچه برای او شریک قرار داده‌اید بیزارم.

نیز نخستین دعوت انبیاء و هدف واحد همه آن‌ها و مبنای همه اعتقادهای دینی و معارف الهی که همه مسیرهای هدایت به آن بایستی ختم شود، توحید و نفی شریک برای خداوند است. «و لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶) و حقیقتاً در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم (تا مردم را به این امر فرا خواند که) خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید.

اصل توحید به معنی اعتقاد به وجود خدا و قدرت غیبی او و حاکمیت علم، قدرت، عزت، جلال، جمال مطلق، اراده و مشیت او بر هستی است. (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۷/۱۰/۲۲) و همه امور دیگر، به نحوی از انحاء به توحید بازمی‌گردد، لذا نایستی توحید را تنها به مفهوم اعتقاد به یکتایی خداوند و نفی شریک برای او دانست، چراکه این ظاهر مفهوم توحید است و باطن آن اقیانوسی بی‌کران است.



مفهوم توحید در جهان‌بینی اسلام یک مفهوم اعتقادی و کلامی صرف نیست، بلکه مفهومی است که رفتار و کردار فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و آثار آن، در جامعه تبلور پیدا می‌کند، به طوری که اعتقاد به توحید در رفتار و عملکرد یک انسان موحد، آشکارا خود را نشان می‌دهد و این رفتار را متفاوت از عملکرد یک انسان با اعتقاد شرک‌آمیز می‌کند. از این منظر است که مقام معظم رهبری نیز توحید را جهت دهنده در تمامی عرصه‌های زندگی انسان مؤمن دانسته و نظام سیاسی اسلام را جلوه‌گاه این اعتقاد می‌داند: توحید قرآن، تنها نگرش بی‌تفاوت و غیرمسئول نیست. شناختی متعهد و بینش فعال و سازنده است که در بنای جامعه و اداره آن و ترسیم خط سیر آن و استراتژی و تعیین هدف آن و تأمین عناصر حفظ و ادامه آن، دارای تأثیر اساسی و تعیین‌کننده است و اصطلاحاً توحید از ارکان اسلام بلکه رکن اصلی آن نیز، است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴: ۳۸)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، مفهوم توحید را یک دکترین اجتماعی می‌داند که محیط متناسب انسان را شکل می‌دهد، محیطی که وی می‌تواند در آن، به سهولت و سرعت رشد کند و به تعالی و کمال ویژه خود، نایل آید. ایشان معتقدند که توحید تنها یک مسئله‌ای صرفاً نظری و یا دارای قلمرو عملی محدود نیست، بلکه راهی تازه در برابر انسان هست که اگرچه بر تحلیلی ذهنی و نظری تکیه دارد، ولی مقصود از طرح آن ارائه شیوه‌ای دیگر است برای عمل کردن و زیستن. با چنین برداشتی است که معتقدیم توحید ریشه و مایه اصلی دین و سنگ زاویه‌ای است که همه پایه‌های دین بر آن قرار گرفته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۵۶: ۶۸)

در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، توحید کاملاً ابعادی سیاسی-اجتماعی داشته و در تاروپود زندگی انسان حاکم است. در این دیدگاه، توحید رهایی انسان از اطاعت و تسلیم در برابر هر کسی جز خداست. از این رو، انسان موحد از بندهای سلطه نظام‌های بشری رهایی می‌یابد و هیچ ترسی از قدرتهای شیطانی و مادی به دل راه نمی‌دهد، چراکه بر اقتدار بی‌نهایتی که خداوند در دل او قرار داده، تکیه کرده و اعتماد به وعده الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام، مبارزه و استقامت دارد، این در حالی است که هر زمان از توحید ناب اسلامی و زندگی مبتنی بر آن غفلت شود، صحنه برای سلطه استکبار



و استعمار باز شده و به خدایان زر و زور، فرصت تاخت و تاز داده می‌شود. در این شرایط، دشمنان با نقشه‌های خود دین را در کشورهای اسلامی از صحنه زندگی خارج کرده و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقق، بخشیدند. (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۶۹/۳/۱۰)

یکی دیگر از ابعاد توحید، اعتقاد به قدرت لایتناهی خداوند متعال و در مقابل نفی همه قدرت‌های مادی و سیاسی است. انسان موحد و مؤمن، قدرت را به شکل کامل از آن خداوند می‌داند و برای غیر او، هیچ توان و قدرتی قائل نیست. در نظام توحیدی سرمنشأ تمامی قدرت‌ها، خداست و آن، قدرت مشروعی دارد که از سوی خداوند متعال، نشأت گرفته شده است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، نخستین شعار اسلام، توحید، یعنی نفی همه قدرت‌های مادی و سیاسی و همه بت‌های بی‌جان و باجان بود. (پیام رهبری به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴)

نظام توحیدی که اساس فکر و باور آن بر وحدانیت خداوند متعال و نفی شریک برای او، استوار است، ورای از یک اعتقاد صرف، هم چنان که بیان شد از ابعاد سیاسی-اجتماعی برخوردار بوده که رفتار انسان موحد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از سویی این گستره فراگیر نظام توحیدی آثار و لوازمی را در ارتباط با مفهوم استکبارستیزی به همراه دارد که رابطه ناگسستگی با این باور داشته و لازم و ملزوم یکدیگر به حساب می‌آید.

در نظام توحیدی اصل بر دفع ظالم و مستکبر و مقابله با آن قرار داده شده و خداوند متعال در قرآن کریم با اشاره به آیه «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ سَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج/۴۰) و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد. به قاعده دفع ظالمان و مستکبران به عنوان یک اصل حاکم بر نظام توحیدی، اشاره دارد، چراکه اگر از سلطه مستکبران جلوگیری نشود و انسان‌های الهی با آنان مقابله نکنند، آنان همه ارزش‌های اخلاقی و انسانی را زیر پا گذاشته و فساد و تباهی، زمین را فرا می‌گیرد و دیگر خبری از مظاهر دین و معنویت در جامعه نخواهد بود، این در حالی است که



مستکبران در طول تاریخ به مقابل با حق پرداخته‌اند و همواره سد راه هدایت شده‌اند و از این رو، برای برداشتن موانع کمال انسانی باید با آنان مقابله شود. آنان آیات خدا را منکر می‌شوند و دست از استکبار خویش بر نمی‌دارند. «وَ إِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبِتَثِيرَةٍ بَعْدَآبِ الْيَمِّ» (لقمان/7) و چون آیات ما بر او خوانده شود، مستکبرانه روی برمی‌تابد، گویی آن را نشنیده است و در دو گوش او سنگینی است، پس او را عذابی دردناک مژده بده. این روحیه مستکبرانه و دشمنی کینه‌توزانه آن‌هاست که ضرورت مقابله و ستیز با ایشان را دوچندان کرده و مشیت الهی به نابودن و دفع آن‌ها برای جلوگیری از گسترش فسادشان بر روی زمین، تعلق گرفته است.

رهبر معظم انقلاب بر اساس این مبنای قرآنی، همواره بر مقابله و ایستادگی در برابر استکبار و زورگویی مستکبران جهانی تأکید کرده و استقامت را شرط رسیدن ملت‌ها به پیروزی می‌داند. ایشان همواره ملت‌های آزاده جهان را که تحت سلطه استکبار جهانی قرار دارند به مقاومت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌ها و زورگویی مستکبران فراخوانده و معتقد است آن نیروی عظیمی که می‌تواند در مقابل استکبار جهانی بایستد، فقط نیروی ملت‌هاست. ملت‌ها و اراده‌ها می‌توانند استکبار جهانی را که با دیکتاتوری هرچه تمام‌تر درصدد توسعه سلطه و اقتدار نامشروع خود است، سر جای خود بنشانند. (بیانات رهبری در دیدار مردم زابل، 1381/12/11)

در نتیجه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های هستی‌شناسانه استکبارستیزی توحید محوری است و جامعه‌ای که توحید محور باشد استکبارستیز خواهد بود.

ب) عدالت و برابری حقوق انسان‌ها

اقتضاء وحدانیت خداوند آن است که اراده و خواست هیچ انسانی مافوق اراده دیگران نباشد. در نظام توحید، انسان‌ها از حقوق و فرصت و امکانات یکسانی برخوردارند و هرکس، به میزان سعی و تلاش خود از مواهب الهی بهره‌مند خواهد شد. «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» (نجم/39) در این نظام، هیچ گروه و طبقه خاصی، وجود ندارد و هیچ فردی از امتیاز ویژه‌ای برخوردار نیست، تنها عامل تقرب به پروردگار تقوای الهی است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ



خَیْر» (حجرات/۱۳) ای انسان‌ها ما شمارا از یک مرد و زن آفریدیم، و شمارا در قالب تیره‌ها و قبائل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، به درستی که گرمی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است.

بر مبنای نظام توحیدی تفاوت‌ها، لازمه نظام آفرینش و به خاطر تسهیل امور و نظامات اجتماعی مردم، قرار داده شده است و به هیچ عنوان، مبنای تبعیض و برتری در جامعه نیست. در این نظام، همه انسان‌ها از آن جهت که مخلوق خدای یگانه هستند، برابر بوده و در این راستا، تمامی فضائل و امتیازات مادی و معنوی اکتسابی و منوط به تلاش و اراده انسان است. توحید انسان‌ها را در رابطه با تعمیم جهان دارای حق برابر می‌شناسد. امکانات و فرصت‌های به طور مساوی در اختیار و از آن همگان است تا از این بساط گسترده هر کس به قدر نیاز و در شعاع سعی و عمل خود، بهره‌گیرد، در این پهنه بیکران، هیچ منطقه اختصاصی و محصور وجود ندارد. همگان می‌توانند همت و اراده خود را در دستیابی به گوناگون بهره این جهان بیازمایند. این فرصت ویژه، هیچ تیره نژادی، جغرافیایی، تاریخی و حتی ایدئولوژیکی نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۵۶: ۶۷)

دولت اسلامی باید همواره آموزه‌های دینی و معیار عدالت‌طلبی را لحاظ کند و پا را از دایره عدالت فراتر نهد؛ بدین معنا که بنا به آیه ۸ سوره ممتحنه، دولت عدالت محور از ارتباط و دوستی با کشورهای غیر اسلامی و دولت‌هایی که درصدد مقابله و براندازی نظام اسلامی و دشمنی با دین خدا برنیامده باشند، نهی نشده است: (لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (ممتحنه/ ۸) جالب اینکه در این آیه، از واژه «قسط» استفاده شده که فراتر از عدالت است؛ چون «عدل» در عرصه اجتماعی است؛ اما «قسط» شامل تمام عرصه‌ها و از جمله عرصه اجتماعی می‌شود. در این باره، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ما با معیار عدالت بین‌المللی، گرایش به معنویت، کرامت دادن به نوع انسان و گرایش به دین خدا و به معنویت و اخلاق معنوی، سر کار آمده‌ایم. ما با معیار تن ندادن به قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی سیطره‌جویان عالم سر کار آمده‌ایم. این‌ها



معیارهای جمهوری اسلامی است. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار استانداران سراسر کشور ۱۳۸۴/۱۲/۰۸)

از این رو جامعه عدالت محور همواره به دنبال همگانی و جهانی کردن عدالت و عدالت‌خواهی است این در حالی است که مستکبران جهان با توجه به اهداف خود که غلبه و سلطه بر جوامع بشری است، به دنبال انحصار امکانات و فرصت‌ها به نفع خود است در نتیجه جامعه عدالت‌خواه به ستیز با مستکبران جهان برمی‌خیزد و عدالت به عنوان یکی از شاخص‌های استکبارستیزی مطرح می‌شود.

ج) نفی سلطه‌گری و مذمت سلطه‌پذیری:

در اندیشه توحید، هیچ انسانی اجازه سلطه و حاکمیت بر تمامی کائنات به طور عام و انسان‌ها به طور خاص را ندارد، چرا که تمامی انسان‌ها در مقام عبودیت در پیشگاه خداوند قرار داشته و از رتبه‌ای یکسان و برابر برخوردارند. این برابری رتبه، اعمال قدرت فرد یا گروه را بر دیگران، رد کرده و از آن به طاغوت تعبیر می‌کند. «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶) خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید. در این اعمال قدرت، تفاوت میان خاستگاه و معیارهای مختلف آن در مکاتب مختلف فکری از قبیل زور، سلطه، وراثت، شرافت قومی و قبیله و نژادی، خواست مردمی و ... وجود ندارد، (حجرات: ۱۳) چراکه بر مبنای نظام توحیدی هر نوع اعمال قدرت با هر مبنا و علتی در خارج محقق شود، مصداق طاغوت و ظلم است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز، بر مبنای این جهان‌بینی همه انسان‌ها را در پیشگاه الهی برابر دانسته و عبودیت یکسان همه موجودات در برابر خدا را مستلزم آن می‌داند که هیچ یک از بندگان خدا، خودش و مستقل حق تحکم و فرمانروایی بر بندگان دیگر را نداشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴: ۳۸)

استکبارستیزی، سلطه‌ستیزی، دفاع از مظلومان جهان، نفی سلطه‌پذیری، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، ایستادگی در مقابل دشمن، عدالت، کرامت انسانی، سعی برای ایجاد برادری و برابری، معنویت، اخلاق (۲۴/۹/۱۳۸۷) از جمله ارزش‌های انقلاب اسلامی هستند که مقام معظم رهبری در مناسبت‌های گوناگون بر آن تأکید داشته‌اند؛ چنانکه در



مناسبتی دیگر در این باره فرمودند: در همه ادیان و مذاهب، بلکه در همه تمدن‌ها و فرهنگ‌های عالم، اموری هست که مردم باید انجام دهند و صفت‌هایی هست که باید آن صفت‌ها را برای خودشان به وجود آورند. این‌ها، ارزش‌هاست. کارها و صفت‌هایی هم هست که مردم باید از آن‌ها دوری کنند. این‌ها، ضد ارزش‌هاست. هم در ادیان و هم در فرهنگ‌های دنیایی، امور و صفاتی داریم که ضد ارزش است و اگر کسی بخواهد خود را به هدف دین برساند، باید از آن‌ها دوری کند. در تمدن‌های بزرگ جهانی هم، چیزهایی را مشخص می‌کنند که از نظر آن‌ها ضد ارزش است. مردم، گروه‌ها و اجتماعات، باید از ضد ارزش‌ها اجتناب کنند. همه‌جا، چیزهایی هست که از نظر دین، مکتب یا آن تمدن یا فرهنگ خاص، مطرود و منفی است که باید کنار گذاشته شود. در عرف شرعی و دینی، به این ضد ارزش‌ها، «محرمات» یا امور مذموم و صفات زشت می‌گویند. هم‌چنین، در همه‌جا، ارزش‌هایی هست که اگر مورد توجه قرار نگیرند و رعایت نشوند، نمی‌توان به هدف‌هایی که دین، تمدن و فرهنگ به آن‌ها دعوت می‌کنند، رسید... در شرع مقدس اسلام، باید‌ها و نبایدها، هر دو در کنار هم ذکر شده است. اگر بخواهیم به هدف‌های اسلامی برسیم، لازم است هم باید‌ها را ملاحظه کنیم هم نبایدها را.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در «صبح امام خمینی» حرم امام رضا (ع) ۱۳۷۴/۰۱/۰۳)

قرآن کریم به صراحت جامعه اسلامی را از کرنش و سلطه‌پذیری نهی می‌کند و می‌فرماید: **وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ.** (هود/ ۱۱۳)

و از دیگر سو هیچ‌گونه سلطه‌ای را برای کفار و مستکبران عالم بر مسلمانان قایل نبوده و می‌فرماید: **وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.** (سوره نسا/ ۱۴۱)

در نتیجه یکی از شاخص‌های استکبارستیزی سلطه‌پذیر نبودن جامعه است و جامعه‌ای که سلطه مستکبران را قبول کند نمی‌تواند مدعی استکبارستیزی باشد.

(د) حق محوری:

بر مبنای جهان‌بینی اسلام، نظام خلقت بر اساس دو جبهه حق و باطل شکل گرفته و انسان‌ها هرکدام در یکی از این دو جبهه صف‌بندی می‌شوند. این مبنای تقسیم‌بندی که برگرفته از حدیث شریف جنود عقل و جهل می‌باشد، به طور آشکار به عقل به عنوان نماد جبهه حق و



جهل به عنوان مظهر جبهه باطل اشاره دارد. (کلینی، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۲۳) بر این مبنا، انبیاء و اولیای الهی به عنوان جنود عقل و به تبع آن، مؤمنان، پیرو در جبهه حق قرار می‌گیرند و در مقابل شیطان و جنود انسی و جنی آن به عنوان جنود جهل در جبهه باطل قرار دارند. مبارزه این دو جبهه از ابتدای خلقت استمرار داشته و تا انتها نیز، باقی خواهد ماند، چراکه در بستر این مبارزه است که انسان‌ها در معرض امتحان و آزمون قرار گرفته و به مسیر سعادت و شقاوت رهنمود می‌شوند.

این دو جبهه در طول تاریخ تلاش کرده‌اند اداره و هدایت انسان و جامعه را به دست بگیرند. لذا از آنجا که هدف یکی ارزشی الهی و هدف دیگری مادی و نفسانی است، سردمداران جبهه حق و باطل را دائماً در مقابل هم قرار می‌دهد. همچنان که خداوند متعال در آیه ۲۵۷ سوره بقره خود را ولی و سرپرست مؤمن دانسته است، منابعی را هم در اختیار انسان قرار داده که در صورت تمسک به این منابع، هیچ قدرتی توان پیروزی بر جبهه حق و مؤمنان را ندارد (اژدری، ۶۳: ۱۳۹۳-۶۴).

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در پرتو این نگاه به نظام هستی با اشاره به دو طیف خواص و عوام در جامعه، قشر خواص جامعه را مورد اشاره قرار داده و معتقد است که خواص جامعه در دو جبهه حق و باطل، صف‌بندی می‌شوند. به اعتقاد رهبر انقلاب اسلامی، عده‌ای که اهل فکر و فرهنگ و معرفتند برای جبهه حق، کار می‌کنند و با تشخیص درست حق، در مسیر آن حرکت می‌کنند، در مقابل، گروهی دیگر که ضد حقتند و از طرفداران باطل به حساب می‌آیند، قرار دارند. ایشان با توجه به اینکه جبهه باطل، در حال برنامه‌ریزی و دشمنی و ستیز با جبهه حق است، وظیفه نیروهای جبهه حق را جنگیدن و مقابله با این اقدامات می‌داند که امری محتوم و تخلف‌ناپذیر است و نایستی از آن غافل شد. (بیانات رهبری در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۱۳۷۵/۳/۲۰)

بر مبنای تداوم وجود دو جبهه حق و باطل در نظام هستی، زمانی که انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اسلام و قرآن کریم و به عنوان مظهر حق پا به عرصه وجود گذاشت، طبیعی بود که استکبار جهانی به عنوان جبهه باطل، حاکمیت اسلامی را برای خود یک خطر جدی بداند و با



انواع ترفندها و توطئه‌های خود به مبارزه با حاکمیت اسلام برخیزد. (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۳/۱۲/۲۴) این ستیزه‌جویی در ذات جبهه باطل همواره در طول تاریخ وجود داشته و دشمنی‌های استکبار جهانی به عنوان مصداق امروری آن در این راستا قابل ارزیابی است. از سویی مبارزه جبهه حق با استکبار، در حقیقت مبارزه با مظهر رفتار و عملکرد باطل است که امروز در استکبار جهانی، تجلی پیدا کرده است.

در اندیشه مقام معظم رهبری، آنچه که موجب شده استکبار به عنوان جبهه باطل تمام فشارهای خود را به ملت ایران وارد کند، دفاع از حق خود و مبارزه با دیکتاتوری و سلطه خارجی است. پایبندی به این شاخص‌ها در جبهه حق، موجب می‌شود که مستکبرین جهانی، منافع زیادخواهانه و تجاوزگرانه خود را در معرض تهدید دیده و بر اساس خوی ظالمانه‌شان با این جبهه، به مبارزه بپردازند.

ملت ایران در حرکت خود، مظلوم است، چرا؟ برای اینکه ملت ایران این مبارزه را برای تجاوز و تعدی به کسی یا تهدید به وجود نیارد، بلکه این حرکت عظیم را برای دفاع از حق خود و مبارزه با دیکتاتوری و سلطه خارجی انجام داد. هر ملت و انسانی حق دارد از آزادی و کرامت خود دفاع کند و زندگی‌اش را بسازد. بنابراین کسانی که به ملت ایران از طرق مختلف سیاسی و غیرسیاسی حمله می‌کنند، در واقع به ملت ایران ظلم می‌کنند. چون حرکت ملت ایران منافع زیاده‌خواهانه و تجاوزگرانه آن‌ها را تهدید کرده و آن‌ها می‌خواهند از ملت ایران انتقام بگیرند. پس حق با ملت ایران است. « (بیانات رهبری در اجتماع اساتید و دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۲/۳/۱۸).

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری یکی از شاخص‌های استکبار حق ناپذیری است (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۲۹/۰۸/۱۳۹۲) و در نتیجه جامعه‌ای که به دنبال حق و حقانیت باشد استکبارستیز خواهد بود و به طور حتم و طبق وعده الهی در قرآن کریم حق پیروز خواهد شد و به تعبیر مقام معظم رهبری طبیعت عالم این است که حق پیروز می‌شود البته مشروط به اینکه اهل حق به دنبال آن بایستند و مبارزه کنند و برای آن تلاش



کنند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از پرستاران ۱۳۷۶/۰۶/۱۹) از این رو حق محوری به عنوان شاخص استکبارستیزی مطرح است.

۲- شاخص‌های معرفت‌شناسانه استکبارستیزی

با مراجعه به تاریخ، انسان‌ها از دیرباز معارف خود را از چهار منبع کسب می‌کرده‌اند. حس و تجربه به عنوان اولین منبع معرفت که سرچشمه معارف دیگر نیز، تلقی می‌شد و مورد عنایت خاص بشر بوده است. پس از آن، بشر از عقل خدادادی خویش به عنوان ابزار کسب معرفت بهره برد و در نهایت شهود و وحی به عنوان دو منبع معارف بشری مطرح بوده است. بر مبنای معرفت‌شناسی دینی، این چهار منبع در کنار هم و توأمان می‌توانند معارف حقیقی را برای بشر هر کدام در جایگاه خود فراهم آورند، اما در این مجال مراد از «معرفت دینی» نوعی از معرفت است که با وصف دینی بودن از معرفت‌های دیگر متمایز می‌گردد. مراد از دین در این جا، دین و حیانی است؛ یعنی آنچه از طریق وحی بر پیامبران الهی نازل گردیده است و چون از دیدگاه ما، دین اسلام آخرین دین و شریعت آسمانی است؛ مقصود، دین و شریعت، اسلام است. در این راستا «کتاب و سنت» منابع معرفتی دین و شریعت اسلام را تشکیل می‌دهد و اگر از آن، به معرفت دینی تعبیر می‌شود، مقصود معرفتی است که جز از طریق دین (وحی) به دست نمی‌آید، در حالی که معرفت حاصل از عقل و تجربه محصور به دین نبوده و قابل درک برای همگان است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۲۰)

سخن از مبانی معرفت‌شناختی استکبارستیزی که برآمده از معرفت دینی است، زمانی محقق خواهد شد که ما بتوانیم دفاع شایسته‌ای از اعتبار معرفتی باور دینی به عمل آوریم و این امر، وابسته به آن است که ابتدا معیارهای معرفتی مناسب را که مقتضای وضعیت معرفتی انسان در همه عرصه‌ها است، بیابیم و سپس، نشان دهیم که وضعیت جهان موجود، به‌گونه‌ای است که با توجه به این معیارها، اقتضای باور دینی را دارد و عدم باور دینی یا به جهت غلبه برخی خواسته‌ها و احساسات، معارض است و یا به جهت پیروی از معیارهای معرفتی، نامناسب می‌باشد.



بر اساس الگوی بیان‌شده، آنچه در قدم اول مطرح است آنکه بر مبنای تعالیم و آموزه‌های اسلام، اساس معرفت بشری شناخت خدا قلمداد شده است، به طوری که پیامبر اسلام (ص) اساس علم و معرفت را شناخت خدا آن‌گونه که شایسته اوست می‌داند و برترین مؤمنان را کسانی می‌داند که بالاترین شناخت را داشته باشند. «قَالَ الرَّجُلُ: مَا رَأَسَ الْعِلْمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص)؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقًّا مَعْرِفَتِهِ؛ مردی از رسول خدا (ص) سؤال کرد بالاترین مرتبه علم چیست؟ رسول خدا (ص) فرمود: شناخت خدا آن چنان که شایسته اوست.» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۸۵) این اصل اولیه در معرفت‌شناسی دینی بدان جهت مهم است که جهت دهنده بینش انسان در عرصه باورهای فکری‌اش می‌باشد.

در قدم دوم بر مبنای معرفت دینی، مشیت الهی بر مبارزه و مقابله با مستکبران و زورگویان عالم قرار گرفته، به جهت آنکه فساد در روی زمین فراگیر نشود و از نابودی مظاهر ذکر و یاد خداوند جلوگیری شود. (بقره: ۲۵۱) این مبنا، بدان جهت است که زورگویان و مستکبران بر اساس ذات سیری‌ناپذیرشان به دنبال منافع زیاده‌خواهانه خود در صدد گسترش سلطه خویش بر روی زمین هستند و چنانچه با بسط سلطه آنان، مقابله نشود، فساد و تباهی فراگیر خواهد شد.

انگیزه‌های شیطانی، زیاده‌طلبی‌ها همیشه بوده است، مخصوص امروز نیست. اگر در مقابل این انگیزه‌های شیطانی، جنود رحمان، بندگان واقعی خدا، انسان‌های عازم مؤمن، نمی‌ایستادند و از قدرت الهی خود، برای متوقف کردن تجاوز و زورگویی استفاده نمی‌کردند، امروز بشریت، به مراتب از آنچه هست، بدتر بود. اگر در دنیا، معنویت باقی مانده است، اگر ارزش‌های انسانی، هنوز وجود دارد، اگر ایمان به خدا هنوز می‌تواند به طور پیوسته جای خود را در دل‌ها باز کند، اگر صلاحی هست، اگر راه مستقیمی پیش بشریت است، به برکت همان ایستادگی‌هاست. (بیانات رهبری در صبحگاه نیروی دریایی سپاه، ۱۳۸۱/۱۲/۲۰)

در شرایط کنونی جهان، نظام سلطه به رهبری آمریکا به دنبال بسط نفوذ خود در نقاط مختلف جهان است و ما شاهد آن هستیم این کشور، برای کسب منافع خویش، از هیچ اقدامی فروگذار نیست. در این راستا، آمریکا به همراه دیگر کشورهای نظام سلطه، بسیاری از ملت‌های



جهان را به استضعاف کشیده و از منافع آن‌ها، بهره جسته است، واقعیتی که رهبر معظم انقلاب اسلامی، سال‌های متمادی است که این موضوع را متذکر می‌شود. ایشان در این راستا، اقداماتی از قبیل غارت ملت‌ها، حمله به ملت‌ها، دروغ‌پراکنی، توسعه فساد در عالم و تحمیق بسیاری از قشرهای مردم را از جمله کارهایی می‌داند که سردمداران آمریکا و دیگر قدرتمندان ظالم و ستمگر عالم برای گسترش سلطه خود، در جهان انجام می‌دهند. (بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۶۹/۱/۲)

رهبر انقلاب اسلامی، با اشاره به اشتباه‌های سیری ناپذیر مستکبران و قدرت‌طلبان جهانی، معتقد است در شرایط کنونی قدرت استکبار با چهره نظامی گرانه خود و با زبان زور با دنیا حرف می‌زند، به طوری که تبلیغات فریبنده رسانه‌های غربی نیز، قادر به پوشاندن این چهره زشت زورمداری و قدرت‌طلبی آن‌ها نیست. این مستکبران برای زورگویی خود از هیچ کاری برخلاف شرافت هم، ابایی ندارند و به ملت‌ها به طور آشکار، دروغ می‌گویند. (بیانات رهبری در دیدار از دانشکده افسری، ۱۳۸۱/۸/۷)

شواهد کنونی عرصه جهانی و سلطه روزافزون کشورهای نظام سلطه به رهبری آمریکا، نشان از آن دارد که استکبار در حال گسترش سیطره خود می‌باشد و در این شرایط، تنها راه چاره مبتنی بر معرفت دینی، مبارزه با استکبار است، اما نکته در این است که چرا یک عزم و تمایل جدی به موضوع استکبارستیزی در جهان و میان ملت‌ها وجود ندارد و این موضوع مهم در شرایط کنونی جهان مغفول مانده است؟

در پاسخ به این سؤال، دلایل مختلفی را می‌توان بیان کرد، یکی از مهم‌ترین این دلایل سیطره قدرت دولت‌ها در عرصه جهانی است که میدان را بر ملت‌ها و توده‌های مردم بسته و با فشار و اعمال زور، از بیان خواسته‌ها و نقش‌آفرینی‌شان جلوگیری می‌کند. (بیانات رهبری در جمع کارگران و معلمان، ۱۳۸۱/۲/۱۱) بیشتر دولت‌های جهان به دلایل مختلفی از قبیل اشتراک منافع با قدرت‌های مستکبر جهانی، مرعوب شدن در مقابل مستکبران، تلاش برای بقا قدرت خویش و هم‌سوئی در رویکردهای معرفتی، با سیاست‌های سلطه‌طلبانه و زورگویانه استکبار همراه شده‌اند و عرصه را برای آزادی خواهان و استکبارستیزان جهان تنگ کرده‌اند.



یکی دیگر از دلایل در شرایط به وجود آمده، نبود مبانی و آموزه‌های معرفتی صحیح در میان مردم جهان و یا ایجاد مانع در رسیدن این مبانی و آموزه‌ها به گوش آن‌ها است. امروزه، نظام لیبرال دموکراسی غرب تلاش می‌کند، آموزه و تعالیم خود را به شکل گسترده در جهان بسط داده و با استفاده از ابزار رسانه و تبلیغات وسیع به این مهم دست پیدا کند. این جریان معرفتی از سویی تلاش می‌کند آموزه‌های رقیب به ویژه اسلام را با روش‌های مختلف، به انزوا کشانده و آن را از صحنه خارج کند، این در حالی است که در این شرایط، مردم ایران به همراه بخشی از مردم منطقه و جهان به برکت انقلاب اسلامی و طرح مبانی و آموزه‌های معرفتی دین اسلام از جمله مفهوم استکبارستیزی به این بلوغ و شناخت دست یافته‌اند و ضروری است با تلاش و پی گیری مجدانه، این آموزه‌ها معرفتی فراگیر شده و به گوش مردم جهان در اقصی نقاط عالم برسد.

۳- شاخص‌های روش شناسانه استکبارستیزی

در یک نظام فکری- سیاسی که مبتنی بر سه جزء کلی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است اجزاء آن در یک ارتباط متقابل با یکدیگر به شکلی هدفمند سامان می‌یابند و در این الگوی ساختاری است که مبانی روش شناسانه نقش ارتباط با عالم واقع را ایفا می‌کند. این بخش، حلقه اتصال عالم فکر و نظر به عالم واقع است، موضوعی که در بیشتر نظام‌های فکری مغفول مانده و به آن پرداخته نشده است، اما در این مجال مبتنی بر الگوی ارائه شده، به این مهم می‌پردازیم و رویکردهای روشی رهبر معظم انقلاب اسلامی به منظور تبیین هرچه بهتر مفهوم استکبارستیزی ارزیابی می‌شود.

الف) دشمن‌شناسی:

گام اساسی و اصلی در مسیر مبارزه با استکبار، شناخت درست دشمن و برنامه‌های اوست. اگر در عرصه مبارزه، شناخت دقیقی از دشمن صورت نگیرد، اقدامات لازم و متناسب با آن چه از جهت تدافعی و چه از جهت تهاجمی، صورت نخواهد گرفت و در نتیجه، شکست را به همراه خواهد آورد، لذا این مهم، مستلزم برنامه‌ریزی و رصد اقدامات و برنامه‌های نظام سلطه به ویژه آمریکا است، که بایستی این اقدامات به خوبی تحلیل شده و راه‌های مقابله با آن ارائه شود.



بر اساس همین ضرورت، رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به این که دشمن بیرونی ما، نظام سلطه بین‌المللی یا همان استکبار جهانی است، مظهر امروزی آن را شبکه صهیونیسم جهانی و دولت کنونی آمریکا معرفی می‌کند و معتقد است در مواجهه با این دشمن، بایستی ابتدا آن را شناخت و از نقشه‌های او آگاه شد، چراکه امروز دشمنان برای ملت ایران نقشه دارند و برنامه‌ریزی می‌کنند و بایستی این نقشه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها شناخته شود. (بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، 1386/1/1)

ایشان شناخت دشمن را از مهم‌ترین امور دانسته و در خطاب به مردم به خصوص جوانان می‌فرماید: شناختن دشمن از همه مهم‌تر است. دشمن سعی می‌کند خود را دوست جلوه دهد و شعارهای ملت‌ها را عوض کند... ملت و دولتی تسلیم می‌شود که دشمن را درست نشناسد، یا دچار فساد و بدبختی باشد؛ اما اگر دشمن‌شناسی بود - که من این توصیه را به جوانان دارم - آن وقت شعارها، شعارهای روشن و آگاهانه‌ای خواهد بود و آنچه که دشمن می‌خواهد، به فضل پروردگار آن را در میان ملت ایران به دست نمی‌آورد. (سخنرانی 1378/8/12 در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا).

آیات متعددی از قرآن کریم به دشمن‌شناسی پرداخته است چه دشمن معنوی چه دشمن مادی. از جمله در باب شیطان می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر/6) که در واقع این آیه شریفه به این نکته تأکید دارد که دشمن را باید شناخت و او را دشمن دانست چرا که به تعبیر مقام معظم رهبری دشمن سعی می‌کند خود را دوست جلوه دهد (همان) و به تعبیر آیات قرآن کریم دشمن هنگام ملاقات با مؤمنان خود را دوست و همراه آنان معرفی می‌کند (بقره/14).

همچنین قرآن کریم در باب معرفی یهود و مشرکین به عداوت و دشمنی آنان اشاره کرده و می‌فرماید: «لَنَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (مائده/82) و آیات متعدد دیگری که همه حاکی از اهمیت و لزوم شناخت دشمن است.

جامعه اسلامی و استکبارستیز باید به دنبال شناخت دشمن باشد و در این صورت است که می‌تواند به مبارزه با آن برخیزد اما جامعه‌ای که صرفاً مدعی مبارزه با دشمن می‌شود اما هیچ



اقدامی در راستای دشمن‌شناسی نمی‌کند دچار فساد و بدبختی و شکست خواهد شد و از این رو است که مقام معظم رهبری می‌فرماید: (استکبار را باید بشناسیم، خصوصیات استکبار را باید بدانیم، عملکرد و جهت‌گیری استکبار را باید بدانیم تا بتوانیم خردمندانه رفتار خودمان را در مقابل او تنظیم کنیم) (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۲۹/۰۸/۱۳۹۲) لذا لازمه حرکت حکیمانه و با درایت شناخت استکبار و دشمن است (همان).

ب) آمادگی و حفظ آن جهت مقابله با استکبار:

بعد از آنکه بر اساس مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دینی مبارزه با مستکبران جهان، امری قطعی تلقی شده و در راستای مبارزه دو جبهه حق و باطل تعریف می‌شود، گام دوم در این مبارزه به عنوان یک ضرورت، آمادگی لازم برای مقابله با دشمن است، همچنان که رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) بر ضرورت آن تأکید کرد و غفلت از آن را موجب طمع ورزیدن دشمنان در تهاجم به کشورهای اسلامی می‌داند. (امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۵۵) از سویی در میدان مبارزه زمانی پیروزی حاصل خواهد شد که نیروها، آمادگی کافی برای مقابله با دشمن و برنامه‌های آن را داشته باشند و در خواب غفلت بسر نبرند، چرا که تجربه تاریخی نشان داده که بزرگ‌ترین شکست‌ها در جنگ زمانی رقم خورده است که یکی از طرفین درگیر، غافل از حمله طرف مقابل بوده است. از سویی دیگر، یکی از مسائل مهم در مبارزه با استکبار که آن را متمایز از سایر نبردها می‌کند، گستردگی عرصه مبارزه است. به گفته رهبر معظم انقلاب اسلامی، این جبهه مبارزه تنها به عرصه نظامی محدود نشده و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را نیز، شامل می‌شود. این گستردگی جبهه نبرد به جهت عدم تمرکز، فرایند مقابله را دشوارتر می‌کند و نیازمند همت و تلاشی مضاعف است.

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خود به مردم به خصوص جوانان لزوم آمادگی در مقابل دشمن را گوشزد کرده و می‌فرماید: پیام من به جوانان کشورمان ... این است که همت کنید و عزم و اراده خود را تقویت نمایید. در میدان‌های گوناگون، شجاعانه خود را مهیا کنید و آماده باشید. ممکن است ما هرگز جنگ نظامی نداشته باشیم. اما یقیناً جنگ سیاسی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی خواهیم داشت. (پیام نوروزی رهبری، ۱۳۸۲/۱/۱)



همچنین ایشان مجهز ساختن به آمادگی‌های لازم را از لوازم تقابل با استکبار می‌داند (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش ۱۳۷۴/۱/۳۰).

قرآن کریم نیز مؤمنان را امر به آمادگی در برابر دشمنان کرده و می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (انفال/۶۰) هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد!

در این آیه شریفه به آمادگی همه‌جانبه تأکید دارد حتی در مقابل دشمنانی که هنوز شناسایی نشده‌اند اما باید پیش‌بینی و آمادگی لازم را برای آنان داشت. مقام معظم رهبری دستور به آمادگی در آیه شریفه را منحصر در آمادگی نظامی ندانسته بلکه فرائز از آن می‌داند و در بیانات خود می‌فرماید: قوه فقط تفنگ و سلاح و مانند این‌ها نیست؛ قوه اعم است از قوه مادی و معنوی، از قوه اقتصادی و نظامی، از قوه علمی و اخلاقی. اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ هر چه می‌توانید قوه را زیاد کنید. (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۰۳/۲۵).

ایشان به این نکته اشاره می‌کند که ممکن است در طول زمان مصادیق و موارد دیگری نیز جهت آمادگی در مقابل دشمنان پیدا شود (همان) و در بیانی پیاده‌روی و راهپیمایی بزرگ اربعین را نیز از مصادیق این آیه شریفه می‌دانند (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۹۸/۰۷/۲۱).

مقام معظم رهبری معتقد است این آمادگی باعث ترس دشمن شده و او را وادار به عقب‌نشینی می‌کند (بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر، ۱۳۹۷/۰۶/۱۸).

البته بی‌تردید آمادگی در صورتی اثر مطلوب را خواهد داشت که همراه با تقوا و ایمان باشد در غیر این صورت موجب زبونی خواهد شد اما همراهی با آن موجب عزت است. (بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور ذوالفقار ۵/۷/۷۶).



در نتیجه یکی از شاخص‌های اصلی روش شناسانه در مبارزه با استکبار آمادگی همه‌جانبه و حفظ آن است.

ج) مقاومت و پایداری:

دفاع و مقاومت یکی از شاخصه‌های یک ملت زنده است، در دنیایی که هوس‌ها و انگیزه‌های مادی به جای ارزش‌های معنوی بر صاحبان قدرت و مستکبران حکمرانی می‌کند، هیچ ملتی نمی‌تواند از هیچ مرکز دیگر، جز قدرت درونی خود که خداوند به او عنایت کرده، امید کمک و حمایتی داشته باشد. ملت‌ها در این شرایط، بایستی به خودشان تکیه کنند تا بتوانند عزت خود را حفظ نمایند. در موضوع دفاع و استقامت، این یک نکته اساسی است که تا دشمن و دشمنی وجود دارد، تهدید هم وجود دارد و تا تهدید است، ایستادگی و دفاع نیز، بایستی وجود داشته باشد، چراکه در این شرایط، آنچه ضامن بقاء و عزت یک ملت است، همانا ایستادگی و مقاومت آن ملت است.

بنای استکبار و زورگویی در عالم این است که همه دولت‌های و به تبع آن‌ها، همه ملت‌ها را وادار کند تا منطق زور و ظلم و بی‌انصافی او را قبول کنند و از همان راه، حرکت کنند... مگر چنین چیزی می‌شود؟ ممکن است بعضی از دولت‌ها به خاطر منافع شخصی مسئولان خود، تسلیم شوند، اما دولت و ملتی که به نام اسلام سخن می‌گوید، به نام استقلال و هویت ملی خود موضع می‌گیرد و حق می‌گوید و دنبال حق می‌رود، مگر ممکن است تسلیم شود؟ (بیانات رهبری در جمع کارگزاران و معلمان، ۱۳۸۱/۲/۱۱)

رهبر انقلاب اسلامی، با طرح این سؤال که در مقابل سلیلی که از ناحیه استکبار شروع شده و در سه عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به دنبال قبضه کردن منابع اقتصادی، از بین بردن هویت سیاسی و بسط فرهنگ سلطه است، آیا نمی‌توان مقاومت کرد؟ ایشان معتقد است که می‌توان مقاومت کرد و این سرنوشت محتوم کشورها نیست، چرا که امکانات، توانایی‌ها و ظرفیت‌های مستکبران و سلطه‌طلبان عالم محدود است و نمی‌توان این‌گونه تصور کرد که هر آنچه مقتدران عالم بخواهند، ناگزیر محقق خواهد شد. (بیانات رهبری در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱/۳/۷) این رویکرد ایستادگی و مقاومت به عنوان تنها راه مقابله با



استکبار جهانی و غلبه بر آن، در جای‌جای اندیشه مقام معظم رهبری به چشم می‌خورد و به عنوان محوری‌ترین مفهوم روش‌شناختی در باره مفهوم استکبارستیزی در منظومه فکری ایشان مطرح است.

مقام معظم رهبری با اشاره به آیه ۳۰ سوره فصلت که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»، پایداری و استقامت را اساس کار می‌داند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۰۸/۰۶/۱۳۸۴). یعنی چه‌بسا ممکن است فرد یا جامعه‌ای در ابتدای امر شعار استکبارستیزی سر دهد اما در این راه استقامت و پایداری نداشته باشد و در این صورت از نیل به هدف خود باز بماند.

بر اساس آیات قرآن کریم، استقامت و پایداری با موفقیت همراه خواهد شد (جن/۱۶) که در واقع این امر یک سنت از سنت‌های الهی است که هر وقت مصداق آن قرار گیریم بی‌تردید مشمول نتایج آن خواهیم شد (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۰۷/۰۴/۱۴۰۱) اما در صورتی که حرکت ما در این راه همراه با استقامت و پایداری نباشد نمی‌توانیم با استکبار به مبارزه برخیزیم.

د) حمایت از مظلوم:

استکبار به دلیل خوی ظالمانه و زورگویانه خود در تلاش است با به استضعاف کشیدن ملت‌های ضعیف و محروم، منافع خود را هرچه بیشتر تأمین نماید و سلطه خویش را بر جهان، گسترش دهد. این ویژگی استکبار، سبب شده در طول تاریخ، همواره برخی از ملت‌ها، تحت ستم قرار گرفته و به آن‌ها ظلم و اجحاف شود. در این شرایط، یکی از وظایف انبیاء الهی خارج کردن این ملت‌ها از تحت سیطره ظالم و کمک به آن‌ها بوده است. نمونه بارز این موضوع رسالت حضرت موسی (ع) در خارج کردن قوم بنی‌اسرائیل از تحت سیطره و ظلم فرعونیان بود. «وَ إِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُؤُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ آبْنَاءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٍ» (اعراف/۱۴۱) و زمانی که شما را از فرعونیان نجاتتان بخشیدم، آن‌ها



که مرتباً شمارا شکنجه می‌دادند، پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را (برای خدمتکاری) زنده می‌گذاشتند و در این آزمایش بزرگی از ناحیه خدا برای شما بود.

بر اساس این تکلیف الهی است که سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و امام خمینی ره به عنوان بنیان‌گذار آن دفاع از مظلوم را از معارف بلند اسلامی می‌داند و آن را به عنوان یکی از اهداف نظام دفاعی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است. (امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۵۹) راهبردی که رهبر معظم انقلاب نیز بر مبنای آن یکی از راه‌های مبارزه با استکبار را حمایت از مظلومانی می‌داند که زیر سلطه و ظلم استکبار جهانی قرار دارند، راهبردی که به اعتقاد ایشان، بایستی به هر شکلی دنبال شود. (بیانات رهبری به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۷۵/۸/۹) بر اساس همین راهبرد دینی است که ما شاهد آن هستیم، جمهوری اسلامی حمایت از مردم مظلوم فلسطین و دیگر مردم مظلوم جهان از جمله بوسنی، میانمار، یمن، افغانستان، بحرین و... را در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره دنبال کرده است.

از این رو است که مقام معظم رهبری دفاع از مظلوم را بر اساس سفارش امام علی علیه‌السلام ضروری دانسته و می‌فرماید: ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم و هر مقداری که توانایی‌های ما و وسع ما باشد وظیفه ما است؛ اسلام به ما گفته است که «كُنْ لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» - این سفارش امیرالمؤمنین است - ما نمی‌گوییم «أَنْصُرُ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» - این شعار جاهلی است؛ می‌گفتند اگر برادرت ظالم هم هست یا مظلوم است، باید از او دفاع کنی و حمایت کنی - قرآن این را نمی‌گوید؛ معرفت اسلامی این را منع می‌کند. نخیر؛ ظالم هر کسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هر کسی هست باید از او حمایت کرد. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۲۶/۰۲/۱۳۹۴).

ایشان با اشاره به خط مسلم جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حمایت از مظلوم، این امر را ورای نگاه به مذهب مظلوم (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۲۶/۰۵/۱۳۹۴) و نیز از راهبردهای کلان و اساسی نظام



جمهوری اسلامی می‌داند (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲).

این نکته برگرفته از گزاره‌های و معارف قرآنی است که آیات مختلفی بر حمایت از مظلومان دلالت دارند از جمله آیه ۷۵ سوره نساء که خداوند متعال خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (نساء/۷۵). و شمارا چه شده، که در راه خدا، و [در راه نجات] مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، جنگ نمی‌کنید؟!.

مقام معظم رهبری با اشاره به آیه فوق و حدیث نبوی که می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴)، حمایت از مظلوم را همان احساس مسئولیت (بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۰۹/۰۶) و دستور صریح قرآن می‌دانند (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۴/۰۲/۱۳۷۴).

با توجه به نکات فوق یکی از شاخص‌های استکبارستیزی حمایت از مظلوم است و جامعه و حکومتی که خود را استکبارستیز می‌داند حتماً از مظلوم حمایت خواهد که در عصر حاضر می‌توان گفت تنها نظام جمهوری اسلامی از این شاخص برخوردار است و در اعصاب و امصار مختلف به حمایت از مظلوم برخاسته است.

ه) بصیرت و هوشیاری

یکی از مؤلفه‌های مورد تأکید معظم له در تقابل اسلام و استکبار در حوزه نظم و امنیت هوشمندی و بصیرت است. هوشمندی و شناخت کامل نسبت به محیط درگیری و اهداف دشمن یکی از اجزاء اصلی در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) محسوب می‌شود. از دیدگاه ایشان آگاهی به زمانه و داشتن آگاهی نسبت به جهان و محیط پیرامونی و جریان‌ات گوناگون جهانی و اهداف دشمن باعث خواهد شد که در نوع مواجهه با دشمن دچار اشتباه در قضاوت نشویم.

از نظر ایشان قدرت تحلیل عامل مهم کم شدن خطا و اشتباه است. (بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۲/۶/۱۳۹۰) در واقع فهم دقیق نقشه دشمن و شناخت صحنه و



عرصه رقابت و درگیری باعث جلوگیری از غفلت خواهد شد (بیانات در دیدار مردم کازرون، ۱۶/۲/۱۳۸۷). مقام معظم رهبری بصیرت‌افزایی و بیدارگری را از بالاترین امور و خیلی باارزش دانسته (بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۱/۰۱/۱۳۹۵)، و معتقد است بیداری و اراده ملت‌ها تنها عامل مهار کردن روح سرکش و طغیانگر استکبار است (بیانات در دیدار جمعی از جوانان اهواز، ۰۸/۰۵/۱۳۸۲). ایشان بصیرت را به معنای تیزبین بودن و راه درست را شناختن می‌داند که شخص در غبار فتنه‌ها هم بتواند راه درست را بفهمد و پیدا کند (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۲۱/۱۲/۱۳۹۹) و شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد را بصیرت می‌داند (بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۰۶/۰۹/۱۳۹۳). مقام معظم رهبری، بصیرت و استقامت را دو عنصری می‌داند که با وجود آن دشمن هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۲۱/۱۲/۱۳۹۹).

این اندیشه برخاسته از گزاره‌های وحیانی است که خداوند متعال خطاب به پیامبر خودش می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف/۱۰۸) (ای پیامبر) بگو: «این راه من است! که من و هر کس مرا پیروی می‌کند، با شناخت، (مردم را) به سوی خدا فرامی‌خوانیم.

مقام معظم رهبری با استشهاد به آیه فوق بصیرت را در زمان فعلی به طریق اولی لازم می‌داند (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۰۷/۱۳۸۸) چرا هنگام نزول آیه شریفه هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه‌ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت اما با این وجود طبق آیه شریفه در عصر حاضر به طریق اولی بصیرت ضروری است.

لذا جامعه‌ای می‌تواند مدعی استکبارستیزی باشد و در این راه به موفقیت دست یازد که به دنبال بصیرت و بیداری باشد.



ز) ایمان و توکل به خدا

یکی از ارکان اصلی جامعه سازی و به طبع آن تمدن سازی و پیش‌زمینه آن خودسازی است. از دیدگاه ایشان اساس همه کارها خودسازی است و موجب هموار شدن راه‌ها می‌شود. یکی از ویژگی‌های خودسازی ایجاد روح مبارزه و ایستادگی است (بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان ۱۰/۸/۷۴). از نظر ایشان معنویت به معنای تقویت فضیلت‌های اخلاقی در انسان است. که اگر درست و صحیح باشد جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. (بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۴/۳/۱۳۹۰)

عنصر سازنده در معنویت اصیل اسلامی "خداوند" است. به لحاظ غایت‌شناسی، قرب الهی هدف نهایی در معنویت اسلامی است. همچنین تعالی و کمال انسانی در رسیدن به خدا مطرح است. این در حالی است که کانون‌های ضد معنویت و اخلاق در حال گسترش معنویت‌های ساختگی هستند که هدف آن آرامش یافتن و شاد شدن برای کم شدن استرس‌های برخاسته از مدرنیته و پسامدرنیسم است. در این زمینه کانون‌های ضد معنویت و اخلاق با استفاده فن‌آوری‌های پیشرفته و با سوءاستفاده از فطرت پاک جوانان تهاجم گسترده‌ای را برای از بین بردن معنویت به کار برده‌اند.

از منظر مقام معظم رهبری مبارزه زمانی موفق خواهد بود که با ایمان و توکل به خدا همراه باشد. (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه، ۰۸/۱۲/۱۳۸۸) از این رو می‌فرماید: روحیه دین را و ایمان حقیقی به وعده الهی و توکل به خدای متعال را باید در مردم تقویت کنید؛ حسن ظن به خدای متعال و به وعده الهی را باید در مردم تقویت کنید (همان).

در منظومه فکری رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است همه مردم را بسیج کند و آن‌ها را در صحنه نگه دارد و سختی‌ها را برای آن‌ها هموار و آسان کند (بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی، ۲۱/۰۹/۱۳۹۰) و همچنین تقویت ایمان موجب دادن قدرت مقاومت به ملت‌ها شده و در میدان واقعی مبارزه موجب زیونی و



خواری دشمن و باعث ایجاد خودباوری خواهد شد (بیانات در دیدار مسئولان نظام
۱۶/۴/۱۳۹۳).

نتیجه

بر اساس آیات قرآن کریم، استکبارستیزی از محورهای اصلی مبارزات انبیاء الهی بوده و پیامبران همواره با فرعونیان و نمرودیان زمان خویش درگیر بودند. تا جبهه حق بوده جبهه باطل و استکبار نیز بوده است و در هر زمانی به صورتی نمود پیدا کرده است و امروزه نیز در قالب حکومت‌ها و دولت‌های زورگو و مستکبری مانند آمریکا نمود دارد از این رو امروزه نیز ستیز بین استکبار و مؤمنان جهان ادامه دارد.

امام خامنه‌ای به عنوان ولی امر مسلمین جهان و ولی فقیه زمان شناس و دشمن شناس، با تمسک به همین آیات قرآن کریم همیشه بر استکبارستیزی تأکید داشته است که با مراجعه به بیانات و فرمایشات ایشان، می‌توان شاخص‌های مهم استکبارستیزی را در اندیشه قرآنی وی استخراج نمود. شاخص به در پژوهش حاضر به معنای متغیرهای رفتاری، ویژگی‌های رویه‌ای و نمادهای نظری و مراوده‌ای است.

یافته‌ها و رهاوردهای پژوهش حاکی از آن که استکبارستیزی در نظام فکری- سیاسی رهبر معظم انقلاب مبتنی بر سه رویکرد هستی شناسانه، معرفت شناسانه و روش شناسانه دیده شده است، به این بیان که در منظومه فکری-سیاسی که یک نظام منسجم و متشکل از اجزاء به هم مرتبط در جهت هدف معین است، با روشن شدن اجزاء مختلف این نظام فکری-سیاسی در عرصه هستی شناختی و معرفت‌شناختی، ارتباط آن‌ها با یکدیگر، مفصل‌بندی شده است و در حوزه روش شناختی، هدفمندی آن‌ها در ارتباط با واقعیت خارجی روشن می‌شود.

بر این اساس در بعد هستی‌شناسی شاخص‌های مختلفی به دست می‌آید از جمله مهم‌ترین آن توحید محوری است که در اندیشه مقام معظم رهبری توحید صرفاً یک نظریه و اعتقاد نیست، بلکه ابعادی سیاسی- اجتماعی داشته و در تاروپود زندگی انسان حاکم است. در این دیدگاه، توحید رهایی انسان از اطاعت و تسلیم در برابر هر کسی جز خداست. از این رو، انسان موحد از بندهای سلطه نظام‌های بشری رهایی می‌یابد و هیچ ترسی از قدرت‌های شیطانی و



مادی به دل راه نمی‌دهد و بر همین اساس جامعه توحید محور استکبارستیز خواهد بود. از دیگر شاخص‌های مهم هستی‌شناختی می‌توان به عدالت و برابری حقوق انسان‌ها، نفی سلطه‌گری و حق محوری اشاره کرد که بر اساس منظومه فکری امام خامنه‌ای که برخاسته از گزاره‌های وحیانی است، هر کدام جایگاه خاصی در جوامع داشته و هر کدام می‌تواند محرک و شاخصی برای استکبارستیزی باشد.

در شاخص‌های روش‌شناسانه استکبارستیزی نیز موارد مختلفی را در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری می‌توان مطرح کرد که مهم‌ترین آن دشمن‌شناسی است. تا دشمن‌شناسی انجام نشود نمی‌توان حرکت درست و خردمندانه‌ای علیه دشمن انجام داد. علاوه بر این، آمادگی و حفظ آن، حضور مقاومت و پایداری، حمایت از مظلوم، بصیرت و هوشیاری و ایمان و توکل بر خداوند متعال از دیگر شاخص‌های استکبارستیزی است که در اندیشه قرآن امام خامنه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است.





منابع

قرآن کریم.

1. آذرتاش آذر نوش، فرهنگ معاصر (عربی - فارسی) ناشر نشر نی، ۱۳۷۹ ش.
2. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
3. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶). حدیث ولایت، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
4. ----- (۱۳۷۴). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
5. ----- (۱۳۵۶). دیدگاه توحیدی؛ روح توحید عبودیت غیر خدا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
6. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: www.khamenei.ir
7. پاپی نژاد، شهربانو و سیده فاطمه محبی، شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده، شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۳۸۹ ش.
8. خلعت بری، فیروزه، مجموعه مفاهیم پولی بانکی و بین‌المللی، ناشر شرکت شب‌اویز، ۱۳۷۱ ش.
9. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۷). "معرفت‌شناسی معرفت دینی"، فصلنامه کلام اسلامی، شماره ۲۵، صص ۲۱-۳۵.
10. عاملی، علی بن احمد جبعی عاملی، (شهید ثانی)، شهر لمعه کتاب صلاة،
11. جوادی عاملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۸ ش
12. فرمهینی فراهانی، محسن، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، نشر شباهنگ، ۱۳۹۳ ش.
13. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ علوم اقتصادی، ذهن آویز، ۱۳۸۸ ش.
14. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۰ق). اصول الکافی، قم، دارالکتاب الاسلامیه.



۱۵. مارش، دیوید و پاول فورلانگ (۱۳۸۷). "پوست نه پوستین: هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در علوم سیاسی"، ترجمه سید علی میر موسوی، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۱، شماره ۴۲، ص ۳۱-۶۴.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹). بحار الانوار، تهران، المكتبة الاسلامیه، ج ۳.
۱۷. محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). آمریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب، تهران، مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۸. میلز، سی رایت (۱۳۸۲). بینش جامعه‌شناختی، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، شرکت سهامی انتشار.





Bibliography

- *Quran-e Karim (The Holy Quran)*.
- ١. Ameli, Ali bin Ahmad Ja'ei (Shahid Sani), *Shahre Lume'eh-e Kitab-e Salat (The Commentary on Lumah: the Book of Prayers)*.
- ٢. Ayatollah Khamenei, Sayyid Ali (1356 SH / 1977 CE), *Didegah-e Tawhidi; Roohe Tawhid-e Abudiyat-e Gheir Khoda (The Perspective of Monotheism: The Spirit of Worshipping Other Than God)*, Tehran, Daftar-e Nashr-e Farhang-e Islami.
- ٣. Ayatollah Khamenei, Sayyid Ali (1374 SH / 1995 CE), *Tarh-e Koli-e Andisheh Islami dar Quran (An Overview of Islamic Thought in the Quran)*, Tehran, Institute for Cultural and Intellectual Studies.
- ٤. Ayatollah Khamenei, Sayyid Ali (1376 SH / 1997 CE), *Hadith-e Vilayat*, Tehran, Center for Publishing and Disseminating Islamic Propagation Organization.
- ٥. Azartash Azarnoosh, *Farhang-e Mo'aser (Arabi-Farsi) (Contemporary Dictionary)*, Publisher: Nashre Ney, 1379 SH (2000 CE).
- ٦. Barbour, Rosaline (2008), *Introducing Qualitative Research: A Student Guide to the Craft of Doing Qualitative Research*, London, Sage Publications Ltd.
- ٧. Farahani, Mohsen Farmehini, *Farhang-e Toseifi-e Olum-e Tarbiati (Descriptive Dictionary of Educational Sciences)*, Shabahang Publications, 1393 SH (2014 CE).
- ٨. Farhang, Manouchehr, *Farhang-e Olum-e Eqtesadi (Dictionary of Economic Sciences)*, Zehn Avis, 1388 SH (2009 CE).
- ٩. Flick, Uwe, (2009), *An Introduction to Qualitative Research*, London, Sage Publications Ltd.
- ١٠. Harding, Sandra, (1987), *Introduction: Is There a Feminist Method?*, in Harding, S (Ed.) *Feminism and Methodology: Social Science Issues*, Bloomington, Indiana University Press.



۱۱. Imam Khomeini, Sayyid Ruhollah (1378 SH / 1999 CE), *Sahifeh Noor*, Tehran, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
۱۲. Javadi Amoli, Abdullah, *Tafsir-e Tasnim*, Markaz-e Nashr-e Esra, 1398 SH (2019 CE).
۱۳. Khal'atbari, Firoozeh (1371 SH / 1992 CE), *Majmueh-ye Mafahim-e Pouli-e Banki va Bayn al-Mellali (Collection of International Banking Concepts)*, publisher Shabaviz, 1371 SH.
۱۴. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub (1380 AH / 1960 CE), *Usul al-Kafi*, Qom, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
۱۵. Majlisi, Mohammad Baqir (1379 SH / 2000 CE), *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Tehran, Al-Maktabah al-Islamiyyah, Vol. 3.
۱۶. Marsh, David & Paul Forlong (1387 SH / 2008 CE), *Post-e Na-Poostin: Haste-Shenasi va Ma'rifat-Shenasi dar Olum-e Siyasi (Between Superficial and Fundamental: Ontology and Epistemology in Political Sciences)*, Translated by Seyed Ali Mirmosavi, Political Science Quarterly, Vol. 11, No. 42, pp. 31-64.
۱۷. Mills, C. Wright (1382 SH / 2003 CE), *Binesh-e Jame'e Shenasi (Sociological Intorspection)*, Translated by Abdolma'bood Ansari, Tehran, Sherkate Sahami Enteshar.
۱۸. Mohammadi, Manouchehr (1385 SH / 2006 CE), *Amrika dar Negah-e Rahbar-e Moazzam-e Enqelab (America in the View of the Supreme Leader of the Revolution)*, Tehran, Research and Cultural Institute of the Islamic Revolution.
۱۹. *Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei: www.khamenei.ir*
۲۰. Papinezhad, Shahrbanoo & Seyyedeh Fatemeh Mohebi (1389 SH / 2010 CE), *Shakhse-ha-ye Sanjesh-va-Zavale-ye Zanan-va-Khanavadah (Indicators for Assessing the Status of Women and Family)*, Council for Cultural, Social Women and Family.



۲۱. Rabbani Gilpaigani, Ali (1377 SH / 1998 CE), *Ma'rifatshenasi-ye Ma'rifat-e Dini (Epistemology of Religious Knowledge)*, Kalam-e Eslami Journal, No. 25, pp. 21-35.
۲۲. Schwandt, Thomas, (2001), *A Dictionary of Qualitative Inquiry*, Thousand, Oaks, Calif, Sage Publications.
۲۳. Walliman, Nicholas. (2006), *Social Research Methods*, London, Sage Publications Ltd.

